

پیام بیت العدل اعظم الہی
شہداء کائنات
۱۳۲۲ بھج

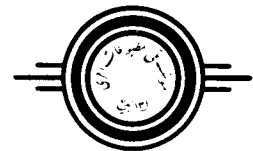


پیام بیت العدل اعظم الہی
شیدائدارکانہ

یاران ویاوران امرالهی در کشور مقدّس ایران ملاحظه
فرمایند :

ای مقربان حضرت کبریا کشور مقدّس ایران
مطلع شمس حقیقت در این دور اعظم است و مطمح
نظرا حباء جمال قدم در سراسر عالم • یاران آن
اقلیم که مقیم کوی جانانند عزیزد و جهانند و مغبوط
و منظور جهانیان • در بزم انس ساقیان جانفشاند
و در حرم قدس معتکفان آستان • رافعان علم
هدایتند و منادیان امر حضرت احدیت • خدمات
عظیمه مستمره شان در عقود و عهود متوالیه تاریخ
امرابهنی هرگز از بسیط غبرامحو نگردد چه که قلم اعلیٰ
بذکر محامد و مناقبشان متحرک والواح مبارکه مرکز
میثاق به تمجید خد ماتشان ناطق و توابع منیره
مصدر ولایت عظمیٰ بر علو مقاماتشان شاهد •

ملاحظه آنهمه موهبت و عنایت در حق آن عزیزان
و مشاهده آثار هم عالیّه مستمره آن یاران این
خادمان آستان را مکلف و موظف سازد که خالصاً
لوجه الله و حفظاً لمقاماتکم فی امرالله بترقیم این
سطور پردازد و از قلوب صافی منیرتان استمداد
جوید که توجهی مخصوص باین اوراق مبذول فرمایند
و تمنیّات این جمع مشتاق را بسمع قبول بشنوند تا



ان شاء الله بامدادات غیبیه ملکوت ابهت کل دست بدست هم دهیم و در عبودیت آستانش شریک و سهیم یکدیگر شویم و به ارتفاع لواهد ایتش حباً لجمال و طلباً لمرضاته موفق و مؤید شویم .

ای یاران رحمانی عالم انسانی بشهادت تعالیم یزدانی در این روزگاریه ابتلاآت و انقلابات متنوع دچار است و بتحوّلات و تلوّنات بیشمار گرفتار . مبادی سقیمه مخربه مدنیّت مادیّه در اوج و اعتلا است و بشری خبر از خداد رهنجه حیرت و استکبار پریشان و مبتلا . چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمت ضلالت مستور و بیانات مبارکه الهیه کلّ مبین امور . از جمله این آیات باهرات است که تقریباً یک قرن قبل از قلم اعلیٰ نازل قوله الاحلیٰ : " عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً در ترزاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشانیکه ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذاتم المیقات یظهر یغته ماتر تعد به فرائص العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان " و نیز میفرماید قوله عزبانه :

" دین نوری است مبین و حصی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله

ناس را بمعروف امروز منکر نهی نماید . اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد . " اینست که الیوم ملاحظه میشود که " آسایش اهل عالم " مفقود است و پیریشانی و سرگردانی در جمیع شئون زندگانی مشهود . در عالم سیاست و اقتصاد و تجارت و زراعت و علم و ادب و هنر و صنعت چنان عنان گسیختگی و هرج و مرج راه یافته که دانایان جهان از چاره اش ناتوانند و از عواقب مد هسه غالبه اش حیران و هراسان . علوم و فنون عصریه که خود از تصرفات آفاقیه این امرا عظم است چون از روح الهی محروم مانده جسمی بیجان گشته و روبه تجزی و تلاشی نهاده . رسوم موهوم و عقاید بالیه مستولیه ادیان عتیقه که بافکار دنیّه بشریه و امیال اهل هوس مزوج و ملوث گردیده جهانیان را بکلی از مبادی معنویه روحانیه دور ساخته و مغرور و مرعوب و محکوم تمدنی نموده که اساسش صرفاً بر موازین مادی استوار است و از تائید نفثات روح القدس محروم و برکنار . در این میان بشر غافل مبهوت و سرگردان نه ملجائی یابد و نه پناهی شناسد و نه این حیات موقت را معنائی بیند لهدا دل بدریازند لا ابالی گردد بی پروائی جوید و با شرب مسکرات و استعمال مخدرات و ارتکاب منهیات راه مستی و فراموشی سپارد و نام آن

جمله راتجدد و تمدن گذارد • بدیهی است
چنین نوهوسانی مردم فرزانه راکسانی دانند که
اعتقاد بحوالم الهی را استهزا کنند و دین را متعلق
باد و اربیشین دانند و اساطیر اولین شمارند نفس
پرستی و تن آسانی در این جهان فانی و تنازع بقا
و طمع بحال و شئون دنیا غایت قصوی و مقصد اعلا اکثر
مردم این روزگار است لهادر راه وصول این آمال
هیچ منکری را منکر نگردد و هیچ شرّی را مضر نشمرند •
در حسرت دینارود رهم ببقارود رهم شوند و در کسب
قدرت و ثروت و نام بهر ننگ و عار تن در دهند • هر
دمی بدامی افتند و هر نفسی بی هوسی رود •
حال ملاحظه فرمائید که در این ورطه تاریک موقوف
بهائیان عزیز چقدر پرخطر و باریک است زیرا از جهتی
باید لطمات مستمره این سیل جارف مدّ نیت مادیّه
را مقاومت و از خود محافظت نمایند و از طرفی در آن
طوفان هول انگیز قواعد قصر مشید جهان افروزی را
برافرازند که ملجاء بشر سرگردان است و کافل سعادت
دو جهان • مرکز مدّ نیت آسمانی است و بانی وحدت
عالم انسانی • اجراء چنین وظیفه خطیره عظیمه ای
ممکن نگردد جز بتأییدات ملاّ اعلی و این تأییدات
غیبیه احاطه نفرماید جز بعزم راسخ و قیام مردانه
اهل بها و این عزم و قیام بشمر نرسد جز بعمل بموجب

تعالیم مقدسه مبارکه و تمسک بذیل اطهر امرالله •
جمال قدم جَلّ اسمهُ الا عظم میفرماید قوله الاحلی :
" جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق
پسندیده است و قائد و سرداران این جنود تقوی الله
بوده اوست دارای کَلّ و حاکم بر کَلّ "
اهل بها که در این جهاد معنوی در ظلّ علم
معقود اسم اعظم وارد میدان مجاهدت گشته اند
اگر از آن " جنود منصوره " یعنی " اعمال و اخلاق
پسندیده " استمداد نجویند چگونه لشکر جرّار
ظلمت و ضلالت را مقابله توانند و اگر بشرط ایمان که
بفرموده مبارک " هُوَ التَّقْلُّ فِي الْقَوْلِ وَ التَّكْتُرُ فِي الْعَمَلِ "
است قائم نباشند چگونه در خیل جنود
نجات راه یابند • اگر تعالیم الهیه را در حیز شهود
جلوه نبخشند و در حیات روزمره خویش منعکس سازند
چگونه انتساب حقیقی به سلطان حقیقت جویند و
دعوی اصلاح عالم کنند •
حیف است که تقلید سیئات غرب که از امراض
مزمه ممالک متأخره است جامعه یاران آن کشور را
مبتلا نماید و جامعیت و قدرت و اصالت تعالیم الهیه
را در حجاب غفلت و ضلالت بهوشاند بلی قلم اعلی
شهادت داده که " امروز آفتاب صنعت از افق
آسمان غرب نمود ارونهر هراز بحر آنجهت جاری "

لهذا یاران آنچه از کمالات و فضائل ملل غریبه
اقتباس نمایند مدوح است و مطلوب ولیکن بشرط
آنکه از حد معین تجاوز نکنند و مبادی قیّمه سامیه
امرا عظم را فدای تقالید سخیفه نگردانند و این انداز
محبوب عالم را هرگز از نظر دورند و قولۀ عزّیّانه :

" براستی میگویم هر امری از امور اعتدال الش
محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد . در تمدن
اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب اضطراب و وحشت
اهل عالم شده انتهنی "

بلی مسلك ما مسلك اعتدال است و تمسك بذیل
امرغنی متعال . و افراط و تفریط از مظاهر این
تمدن روزوال و بالمال موجب خسران و وبال .
ملاحظه نمائید که مادۀ پرستی و حرص و آرزو تعقیب
منافع آنی و انهماك در شهوات نفسانی عالم
سیاست را چگونه جولانگاه ارباب کید و تزویر نموده
و اقتصاد و تجارت را چگونه مانع تعدیل معیشت
و توزیع عادلانه ثروت کرده و علوم عالیّه را چگونه از
محور مطلوب و سعادت و سلامت اقوام و ملل دور ساخته
و موجبات خرابی و دمار بشر را به وجود آورده بالاخره
ملاحظه فرمائید حریت مفرطه چگونه انسان را بر تبه
حیوان تنزل داده و انعکاس مظاهر کریمه اش
چگونه چهره شعروادب و موسیقی و هنر و صنعت

را مکدّ روم نفور ساخته و تأثیرات مهیبه اش چگونه
بنیان خانواده را که اساس جامعۀ انسانی
است متزلزل نموده . حتی يك نظر در امور جزئیّه
انویه از قبیل نشست و برخاست و خوراک و پوشاک
تعلّق بزخارف بی مایه و تظاهر به تجملات بی پایه
و تفاخر و رقابت با همسایه معلوم دارد که اساس اعتدال
در جامعۀ بشریّه بکلی مفقود است و معدوم . اما
پیروان جمال مبارک که پرورده ید عنایت اند باید
از این عوالم بیزاری جویند آیت انقطاع و تجرید شوند
و جوهر تنزیه و تقدیس . مطلع صفات رحمانی گردند
و مظهر سنوحت روحانی جان و وجدان را به پرتو
عرفان و ایقان روشن سازند و خویشتن را از جمیع
این مهالك ناجحاً مظفرّاً نجات بخشند چه که
میدانند بفرمودۀ حضرت بهاء الله جلّ ثناؤه :

" فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه
بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور و کلّ از تراب مخلوق
و باور ارجع ای اهل بهازینت انسان با سباب دنیا
نبوده بلکه عرفان حق عزّازّه و علوم و صنایع و آداب
بوده . . . "

آیه کریمه " کونوا قُدوةً حَسَنَةً بَیْنَ النَّاسِ وَ
صَحِیْفَةٌ یَتَذَكَّرُ بِهَا الْإِنْسَانُ " مناسب حال است
و بیان مبارک " فَضْلُ الْإِنْسَانِ فِي الْخِدْمَةِ وَالْكَمَالِ

لا فی الزینة والثروة والمال " شاهد این مقال •
 اگر دوستان عزیز روحانی در بحر زخار کلمات الهیه
 غور فرمایند البته در هر آنی با استخراج جواهر معانی
 توفیق یابند و بختای حقیقی که رضاء الهی و حیات
 ابدی است فائز گردند •

مولای قدیر مهربان یاران عزیز ایران را
 بچنین خطاب جان پروری مخاطب فرموده
 قوله الاحلی :

" یاران برگزیده ایران باید نظریه پستی
 محیط خود و دنیا و اخلاق و سوء رفتار نفوس در حصول
 خود ننمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند
 بلکه باید نظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را
 تعالیم و نصایح قلم اعلیٰ قرار دهند آنوقت معلوم
 شود که هنوز از برای کمال دروادی سلوک مراحل
 عدیده باقیمانده و طی مسافت نکرده بسر منزل
 مقصود که تخلیق باخلاق و شمیم الهیه است هنوز
 وارد نگشته ایم پس ماکه سالکان سهیل نجاتیم باید
 بتمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات
 و مشاغل و مقاصد مان با تمام طبقات نفوس در امور
 جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در
 تعالیم حضرت بهاء الله را بفعل اظهار و اعلان و
 اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که بر کمال ثابت گردد

که جز قوه جامعه روح حضرت بهاء الله هیچ امری
 دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکند اینست
 یگانه اسباب نجات و ظفر الهی "

قلم میثاق با صرح بیان و افصح کلام تکلیف
 یاران را چنین معین فرموده قوله عزبانه :

" بهائیان باید نظریاتین امر دقیق نمایند که
 مانند سایر ادیان بعربده و های وهوی و لفظ بیمعنی
 کفایت ننمایند بلکه بجمع شئون از خصائل و فضائل
 رحمانی و روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت
 نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بیمعنی •
 و بهائی اینست که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود
 ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد
 که نوعی روش و حرکت نمایند که جمیع بشر از آن مستفیض
 و متور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق
 باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد
 چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت که بهائی
 است و الا در این دو در مبارک که فخر اعصار و قرون است
 ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام
 بجمع شئون و کمالات ایمان است • "

ای برادران عزیز و خواهران روحانی در این
 حیات موقت فانی اگر در ظلّ مدد و امر حضرت مقصود
 نیاریم دیگر چگونه روی راحت و آسایش بینیم اگر گنج

ایمان را در خزانه دل محافظت ننمائیم دیگر چه غنائی وجه اعتباری یا بیم زبیرا بشهادت قلم میثاق:

" این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانسی عنقریب زائل و فانی شود " لهدا ایاران رحمانی آنچه دارند و آنچه جویند باید برای امر مبارک خواهند عزت و شوکت و غنا و ثروت و ضیاع و عقار و علم و صنعت کُل در نظر احبای عزیز وسیله عودیت آستان الهی است نه هدف اصلی و مقصد غائی اگر این مراتب و شئون در سبیل خدمت امر مبارک و تأسیس ملکوت الهی و خدمت عالم انسانی بکار رود زهی سعادت و نعم المراد والا وبال کردن است و اسباب گرانباری و محرومیت ملاحظه در علوم ظاهره فرمائید که اگر از عرفان حق محروم ماند حجاب اکبر گردد و بالعکس اگر اصحاب علوم بمعرفت حق فائز گردند مصداق این بیان مبارک گردد: " طوبی لکم یا معشر العلماء فی البهائم تالله انتم امواج البحر الا عظم وانجم سماء الفضل والویة اننصرین السموات والارضین " .

و یاد رثوت ظاهره ملاحظه فرمائید که باعتباری هم آتش سوزان امتحان و افتتان است و هم اسباب قربیت یزدان قوله عزبیا نه:

" ای مغروران باموال فانیه بداید که غنا

سدی است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق . هرگز غنی بر فقر قرب وارد نشود و بمدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلیلی پس نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی محروم نشود و نگردد اندک قسم با اسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین را " بهمچنین سائرشئون ظاهره عالم امکان نیز همین حکم را دارد زهره لاهل چون بمعرفه طبیب کامل بکار رود شفای عاجل گردد و اگر بدست جاهل افتد سم قاتل شود . پس پیروان جمال مختار باید هر ذکرو فکری را جز امر مبارکش فراموش نمایند و خالصاً لوجه الله در سبیل عبودیتش قدم گذارند و در جمیع احوال محک تعالیم الهی را میزبان آتم و اقوم شمارند تا خیر بینند و بسعادت حقیقی نائل گردند قلم اعلی میفرماید:

" ذرات کائنات گواه بوده و هست که در جمیع احوال عباد را بما یرفعهم امر نمودیم و از آنچه سبب پستی و ذلت بوده نهی کردیم . مقصودی جز ارتفاع کلمة الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست. " و نیز میفرماید:

" باید در کُلّ حین با و امر و نواهی الهی ناظر باشند او امرش حصن اعظمست از برای حفظ عالم

وصیانت ام نوراً لمن أقرّوا عترف وناراً لمن أدبر
وأنکر ونیز میفرماید :

" واما ما سئلت فی او امر الله فاعلم بان کما
حد د فی الكتاب حق لا ریب فیہ وعلی الکّل فرض
بان یعملوا بما نزل من لدن منزل علیهم ومن یترکه
بعد علمه ان الله بری عنه ونحن براء منه لان اثمار
الشجره هی او امره ولن یتجاوز عنه الا کّل غافل
بعید "

علی الخصوص جوانان عزیز که هر یوم در معرض
استهزاء مستکبرانند و هدف تیر ملامتگران باید بجوشن
ایمان و عرفان مجهز گردند و بر توسن اطمینان نشینند
و بمیدان عهودیت جولان دهند • سلاح صلاح
برگیرند و صلاهی حقّ علی الفلاح و حقّ علی النجّاح
بمسامع اهل عالم رسانند و بسیف حکمت و بیان و سپهر
تقوی و انقطاع بر صفوف نفس و هوی تازند و جنود
تقلید و اوهام را متواری سازند و در قطب آفاق علم
هدایت کبری برافرازند •

در این سیل امتحان تن بموج خروشان
سپردن و در جهت آب رفتن کاری سهل و آسان است
و ساخته از هرناتوان ولیکن مردان دلاورند که
در مخالف امواج شناورند آن تن آسانی و ضعف
و ناتوانی مارابه ورطه فناکشاند و این دلیری و چالاک

به ساحل بقا رساند در حق آن آیه کریمه " لیس هذا
مقام یدخل فیہ کلّ جہان موهوم " صادق و در مقام
این " تالله هذا مضمار المکاشفة والا نقطاع و میدان
المشاهدة والا ارتفاع لا یجول فیہ الا فوارس الرحمن "
ثابت • آن وادی عدم و ذلت و پستی است و این
بساط باقی و ساحت هستی •

پس ای دوستان با وفا مقام و منزلت رفیع خویش
را قدر دانید و خلعت " و پختن بر رحمته من یشاء "
را که فضلاً من عنده بردوش دارید بخبار آیش این
خاکدان تراهی مکدّ رسازید و گوهر گرانبهای ایمان
را که ید مشیت رحمن در صدف آن اقلیم پرورده و به باز
جهان عرضه فرموده به خزف و مهره های رنگین
و ظاهرفریب این مدنیّت کاذبه مادیّه بفروشید که
در این معامله مغبون گردید ایران بفرموده مرکز
میثاق: " به پرتو بخشش خداوند مهربان ترقی عظیم
نماید و جنّة النعیم گردد بلکه امید چنین است که
در آینده غبطه روی زمین شود و نفعه مسکین ایران
خاور و باختر را معطر نماید "

کلّ آرزومند بل منتظر و مترصدیم که آثار تحقق
این وعود مبارکه بر اثر هم عالیّه و روحانیت و نورانیت
آن معاضدان وفادار هر چه زود تر ظاهراً و آشکار گردد •
و باعث سرور و افتخار شود اینست ادعیه قلبیه این

خادمان آستان دراین جوارهرانوار •

بیت العدل اعظم

شهرالعلاء ۱۲۲